

آینده پژوهی درباره دست آوردهای روابط نیابتی حزب اتحاد دموکراتیک در سوریه^۱

امیرحامد آزاد*
طاهره ابراهیمی فر**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۳
تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۳/۲۳

چکیده

پس از آغاز جنگ درون دولتی در سوریه، حزب اتحاد دموکراتیک علی‌رغم تعارض با دولت مرکزی، روابط نیابتی با رژیم را علیه مخالفان مسلح، در دستور کار قرار داد. حزب اتحاد دموکراتیک از یک سو، به واسطه برخورداری از حمایت دولت مرکزی، بر مناطق خلأ قدرت مسلط شد و از سوی دیگر، با آغاز دور جدیدی از روابط نیابتی، به وسیله ائتلاف با عملیات عزم ذاتی از حمایت آمریکا، دست آوردهای حزب را از سرکوب و مهار توسط دولت مرکزی در امان نگاه داشت. بنابراین، بر اساس الگوهای حاکم بر روابط نیابتی، این سؤال مطرح می‌شود که دست آوردهای روابط نیابتی حزب اتحاد دموکراتیک در آینده با چه سرنوشتی روبه‌رو خواهند شد؟ همچنین، این فرضیه مطرح می‌شود که دست آوردهای روابط نیابتی حزب اتحاد دموکراتیک با ائتلاف و دولت سوریه، به دلیل عدم برخورداری از مشروعیت حقوقی و تأثیرپذیری از منافع حامیان دولتی پایدار نخواهند ماند. لذا، در مقاله پیش رو، تلاش بر این است که با استفاده از روش تجزیه و تحلیل روند، محتمل‌ترین سناریوی ممکن کشف و طرح شود. هدف این مقاله کشف الگوهای جدید از روابط گروه‌های شبه نظامی با دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی است که ممکن است بر حاکمیت دولت‌هایی که شبه‌نظامیان در چارچوب مرزهای ملی آنان فعالیت دارند، تأثیرگذار باشد.

واژگان کلیدی: حزب اتحاد دموکراتیک، ائتلاف بین‌المللی، روابط نیابتی، روابط پارتیزان، واحد نظامی موازی.

* دانشجوی دکتری
روابط بین‌الملل،
دانشگاه آزاد اسلامی،
واحد تهران مرکزی،
تهران، ایران.
amirhamedazad
@gmail.com

** دانشیار گروه
روابط بین‌الملل،
دانشگاه آزاد
اسلامی، واحد تهران
مرکزی، تهران، ایران
(نویسنده مسئول).
dr_brahimifar
@yahoo.com

۱ این مقاله از رساله دکتری امیرحامد آزاد با عنوان «تأثیر ساز و کارهای مهار داعش بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» با راهنمایی خانم دکتر طاهره ابراهیمی فر و مشاوره آقایان دکتر رضا جلالی و دکتر کابک خبیری استخراج شده است.

مقدمه

حزب اتحاد دموکراتیک^۱ طی یک سال بعد از آغاز بحران و جنگ داخلی در سوریه، ضمن توافق با دولت مرکزی و پس از عقب‌نشینی نیروهای امنیتی و ارتش، بر مناطق کردنشین سوریه مسلط شد و از روز ۱۳ نوامبر ۲۰۱۳، در مناطق سه‌گانه کُردی شمال سوریه در بخش اعظم استان حسکه^۲ (جزیره) و شهرهای عفرین و عین‌العرب (کوبانی) در استان حلب، دولت موقت را تشکیل داد. شاخه‌های نظامی و امنیتی حزب، در چارچوب زوج نیابتی دولت مرکزی، به طور همزمان مبارزه با گروه‌های مسلح عرب مخالف دولت مرکزی و سرکوب احزاب کُرد مخالف دولت را در دستور کار قرار دادند. حزب اتحاد دموکراتیک، بعد از طی یک روند پرفراز و نشیب سه‌ساله، در نهایت اقدام به تشکیل شورای تأسیس فدرالی در شمال سوریه کرد و مبنای نظری تشکیل فدرالی تحت عنوان «قرارداد اجتماعی فدرالی دموکراتیک در روژاوا- شمال سوریه»^۳ را منتشر کرد. در بند (ب) از ماده سوم باب اول این میثاق، مناطق جزیره، کوبانی و عفرین به عنوان بخش‌هایی از جغرافیای سوریه معرفی شده که اداره خودگردان در آن مستقر می‌شود و شهر عفرین، مرکز این اداره در بخش عفرین خواهد بود. این بخش‌ها بر اساس پیش‌نویس دیگری تحت عنوان اداره خودگردان اداره خواهند شد. به موازات این روند، حزب اتحاد دموکراتیک شکل دیگری از روابط نیابتی را آغاز کرد و در قالب جبهه دموکراتیک سوریه به عنوان زوج نیابتی ائتلاف بین‌المللی «راه حلّ ذاتی»^۴، به تکیه‌گاه اصلی این نهاد برای مبارزه با داعش در سوریه تبدیل شد. حزب اتحاد دموکراتیک با پشتیبانی ائتلاف، بر حدود یک-چهارم از خاک سوریه مسلط شد و ایالات متحده آمریکا به عنوان فرمانده ائتلاف راه حلّ ذاتی، پس از نابودی مراکز ثقل فیزیکی داعش، شروع کرد به ممانعت از بازگشت حاکمیت به مناطق تحت کنترل جبهه دموکراتیک سوریه و تقویت و توسعه خودگردانی‌های ایجادشده توسط حزب اتحاد دموکراتیک. روابط نیابتی حزب اتحاد دموکراتیک با دولت سوریه و ائتلاف، دست‌آوردهای سیاسی برای این حزب به ارمغان آورده است که احتمال دارد در آینده حاکمیت دولت سوریه را با مخاطره روبه‌رو سازد و این روند به ایجاد یک الگوی عمل در سایر کشورها بینجامد. براساس این مسئله، مقاله حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش خواهد بود که دست‌آوردهای روابط نیابتی حزب اتحاد دموکراتیک، در آینده با چه سرنوشتی روبه‌رو خواهند شد؟ این مقاله بر این فرضیه استوار است

۱ این حزب در سال ۲۰۰۳ به عنوان شاخه نظامی «پ.ک.ک» در سوریه اعلام موجودیت کرده است.

۲ ارتش سوریه حضور خود را در مناطق محدودی نظیر شهر قاملشو، بخش زیادی از شهر حسکه و محدوده استقرار تیپ توپخانه ۵۶۴ را حفظ کرد.

۳ العقد الاجتماعي للفيدرالية الديمقراطية لروچ أفا - شمال سوريا

که دست‌آوردهای روابط نیابتی حزب اتحاد دموکراتیک با ائتلاف و دولت سوریه، به دلیل عدم برخورداری از مشروعیت حقوقی و تأثیرپذیری از منافع حامیان دولتی پایدار نخواهند ماند. در مقاله حاضر، تلاش بر این است تا با استفاده از روش تجزیه و تحلیل روند^۱، سناریوهای محتمل درباره خودگردانی‌های ایجاد شده در مناطق تحت کنترل حزب اتحاد دموکراتیک استخراج شوند. در این فرایند، تمرکز بر کشف روندها برای پیش‌بینی آینده از روی قرائن و شواهد تاریخی و تغییرات داده‌ها پیرامون عملکرد بازیگران ذی‌نفع است.

۱. ادبیات و پیشینه پژوهش

روابط نیابتی و مسائل پیرامون آن در انواع مناقشه و جنگ، موضوع فراگیری است که بازیگران دولتی، غیردولتی و فرادولتی در آن درگیر هستند. با وجود گستردگی موضوع، پژوهش‌های محدودی وجود دارند که برآیند آن‌ها ایجاد الگوهای نظری جهان‌شمول و ایجادکننده قدرت پیش‌بینی درباره وضعیت آینده مناقشات جاری است. برنامه مناقشات داده‌محور در بخش تحقیقات صلح و جنگ دانشگاه اوپسالا^۲، فراگیرترین پروژه پژوهشی مستمر در جمع‌آوری سیستماتیک و با کیفیت بالای داده‌های مربوط به جنگ‌های داخلی از سال ۱۹۴۵ به بعد بوده است که همچنان استمرار دارد و سالانه به‌روز می‌شوند. این پروژه پژوهشی، به‌واسطه روندسازی دقیق داده‌ها، تعاریفی منطبق با استاندارد جهانی را درباره موضوعات مرتبط با انواع جنگ و روابط نیابتی ارائه داده است که پوشش جهانی دارند و در سراسر کشورها قابل مقایسه هستند. پژوهش مشابه دیگری که البته از دایره موضوعی کوچک‌تری برخوردار است، «پروژه تأثیر متقابل جنگ»^۳ نام دارد که سال ۱۹۶۳ توسط دیوید سینگر در دانشگاه میشیگان پایه‌گذاری شد. این پروژه، به جمع‌آوری داده‌های انواع جنگ پس از ناپلئون مشغول بوده است و یکی از اهداف مهم آن، استخراج طیف رفتار جنگی و پسا‌جنگی است، اما نتایج این پروژه معطوف به الگوهای استخراج‌شده از روندهای حاکم بر مناقشات سال‌های ۱۸۱۶ تا ۲۰۰۷ بوده است. پژوهش دیگری که به تکمیل بخش اصلی اطلاعات روابط نیابتی بین زوج‌های نیابتی کمک کرده است، «پروژه اطلاعات پایه شبه‌نظامیان حامی دولت»^۴ نام دارد که بخش اول آن به جمع‌آوری سیستماتیک داده‌های مربوط به این موضوع از سال ۱۹۸۱ تا ۲۰۱۴ اختصاص داشته و بخش دوم آن نیز در جریان است. این پروژه، پس از روندسازی از داده‌ها، اقدام به ارائه

1 Trend Analysis
2 The Uppsala Conflict Data Program (UCDP)
3 Correlates of War Project (COW)
4 Pro-Government Militias Database (PGMD) Project

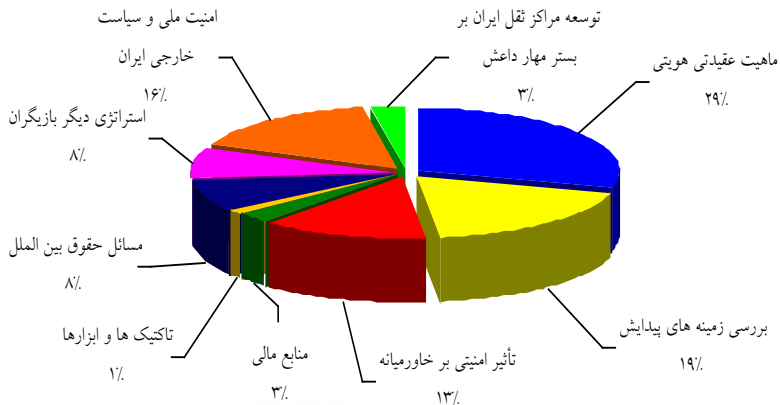
الگوی جهان-شمول درباره روابط بین دولت‌ها و گروه‌های حامی دولت‌ها کرده است که به دلیل شمولیت بالا، آینده روابط مشابه را قابل پیش‌بینی می‌سازد.

با وجود آن که ادبیات تولیدشده در پروژه‌های مذکور، مجموعه وسیعی از قواعد قابل تعمیم را در اختیار پژوهش‌گران و تصمیم‌گیران قرار داده است، جای خالی استفاده از یافته‌های این پروژه‌ها به وضوح در ادبیات روابط بین‌الملل دیده می‌شود. به عنوان مثال، بررسی نگارنده‌ها از عناوین و محتوای ۷ کتاب، ۱۸ پایان‌نامه و ۴۹ مقاله تولیدشده درباره داعش طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵، حکایت از این واقعیت دارد که هیچ یک از این آثار علمی به بررسی ساز و کارهای مهار داعش و نقش روابط نیابتی گروه‌های شبه‌نظامی در این قالب اختصاص نداشته است. در روند مبارزه با داعش در مراکز ثقل فیزیکی این سازمان در عراق و سوریه، نمونه‌های زیادی از روابط نیابتی گروه‌های شبه‌نظامی با دولت‌های عراق و سوریه شکل گرفت که به طور کلی معطوف به حرکت در چارچوب تعیین شده توسط دولت‌های مرکزی این کشورها بود، اما در این بین، نمونه منحصر به فردی از روابط نیابتی موازی نیز از سوی حزب اتحاد دموکراتیک با دولت سوریه و ائتلاف عزم ذاتی به فرماندهی ایالات متحده آغاز شد. این حزب کُرد به عنوان شاخه پ.ک.ک در سوریه، به واسطه برقراری روابط نیابتی موازی با این بازیگران، موفق به کسب دست‌آوردهای سیاسی شد که استقلال و حاکمیت دولت سوریه را تحت تأثیر قرار داد. از سوی دیگر، گستردگی جغرافیایی حضور پ.ک.ک و ایدئولوژی آن در ترکیه و ایران این باور را محتمل ساخت که این حزب از بستر ایجاد شده برای توسعه دست‌آوردهای سیاسی خود در آینده بهره‌برداری کند. بنابراین، در مقاله پیش رو، تلاش شده تا شواهد عینی مربوط به مطالعه موردی کُنش حزب اتحاد دموکراتیک، در چارچوب انطباق این داده‌ها با ادبیات نظری روابط نیابتی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند. همچنین، تلاش شده تا از نتیجه این انطباق، الگوهای قابل اتکا و سناریوهای محتمل آینده استخراج شوند.

۲. چارچوب نظری

چارچوب نظری در این مقاله، منبعث از ترکیب الگوهای حاکم بر روابط نیابتی در انواع جنگ، روابط دولت ذی‌نفع با نیروهای پارتیزان و روابط دولت با نیروهای موازی حامی آن استوار است. لذا، تلاش بر این است تا یافته‌های مقاله، بر اساس انطباق با این رهیافت نظری مورد تحلیل و بررسی قرار گیرند.

نمودار ۱. توزیع نسبت موضوعی آثار پژوهشی پیرامون مبارزه با داعش



۲-۱. روابط نیابتی

جنگ نیابتی یکی از مفاهیم پرکاربرد برای تحلیل مناقشات جاری در جهان است. این مفهوم بر بستر چالش‌های بین دو قطب آمریکا و شوروی در دوران جنگ سرد شکل گرفت که هریک از آنان با اتکا به یک جنگ تحریک شده علیه دیگری، بدون آن که خود به طور مستقیم در مناقشه دخالت داشته باشند، به رقابت برای کاهش حوزه نفوذ قطب مخالف می‌پرداخت. اما واقعیت این‌جاست که بررسی ماهیت جنگ‌های نیابتی، از یک سو، حکایت از این دارند که راه‌اندازی و هدایت چنین جنگ‌هایی هیچ‌گاه در انحصار ایالات متحده و شوروی نبوده است و از سوی دیگر، ناظر بر این هستند که روابط نیابتی (حامی‌ها و نایب‌ها) الزاماً منحصر به حمایت یک بازیگر دولتی خارجی از یک بازیگر غیردولتی نیست، بلکه ممکن است یک دولت از گروه‌های مسلح پشتیبان خود علیه گروه‌های مسلح مخالف در چارچوب مرزهای ملی استفاده کند. البته در موارد نادری ممکن است در یک جنگ نیابتی، بازیگر غیردولتی در نقش حامی و بازیگر دولتی در نقش یک نایب ظاهر شوند. بر این اساس، «دیلان کریگ»^۱ با اتکا به الگوسازی از جنگ‌های نیابتی آفریقا طی سال‌های ۱۹۵۰ تا ۲۰۱۰، مفهوم یادشده را چنین تعریف می‌کند:

«جنگ نیابتی به دسته‌ای از جنگ‌ها اطلاق می‌شود که (اولاً) در آن‌ها یک یا تعدادی از دولت‌ها در وضعیت رویارویی به سر می‌برند و (ثانیاً) بسیاری دیگر از بازیگران غیردولتی نیز صرف نظر از چگونگی مسئولیت‌پذیری، مشارکت یا توافق مشترک بر سر اهداف مشخص، در

این نوع از جنگ مداخله دارند و حداقل یکی از مرزهای مستقل مورد تجاوز قرار گرفته است»
(Craig, 2012: 46-47).

بنابراین، جنگ نیابتی مستلزم وجود نوعی همکاری استراتژیک بین دولت و شریک محلی در محل مبارزه، برای کارگردانی خشونت‌های منطقه هدف است. در واقع، دولت‌ها برای دستیابی به اهداف مورد نظر، برای رفتن به جایی که نمی‌توانند در آن حضور داشته باشند، از ظرفیت بازیگران غیردولتی استفاده می‌کنند. استفاده از واسطه‌های غیردولتی برای ایجاد ثبات در منطقه، پدیده‌ای است که به انحصار دولتی در مورد اعمال خشونت در سطح جهانی پایان داده و نقش مهم بازیگران غیردولتی منطقه‌ای را پررنگ‌تر می‌کند (Craig, 2012: 66).

بررسی ماهیت جنگ‌های نیابتی طی دهه ۷۰ میلادی (دوره جنگ سرد)، نشان می‌دهد که چنین جنگی مستلزم تحقق معیارهای زیر است:

۱. نیاز به یک رابطه مستقیم مبتنی بر همکاری؛
 ۲. وجود یک دشمن مشترک برای حامی و نایب؛
 ۳. حفظ روابط میان حامی و نیروی نایب در طول زمان (Youra, 2014:10).
- براساس «پروژه تأثیر متقابل جنگ» که معطوف به بررسی مناقشات طی سال‌های ۱۸۱۶ تا ۲۰۰۷ میلادی است، مناقشات به پنج دسته زیر قابل تقسیم‌اند:

۱. جنگ بین‌دولتی^۱: جنگ بین دو یا تعداد بیش‌تری از دولت‌های حاضر در سیستم بین‌المللی؛
 ۲. جنگ داخلی^۲: جنگ بین یک دولت و گروه‌های مخالف مسلح در چارچوب مرزهای ملی؛
 ۳. جنگ درون‌دولتی^۳: جنگ بین گروه‌های مسلح حامی و مخالف یک دولت در چارچوب مرزهای ملی آن دولت که از قابلیت تسری به حوزه بین‌الملل برخوردار است؛
 ۴. جنگ فرادولتی^۴: جنگ بین یک دولت و یک بازیگر غیردولتی در خارج از مرزهای ملی دولت متخاصم (جنگ تسری یافته به حوزه بین‌الملل)؛
 ۵. جنگ غیردولتی^۵: جنگ بین بازیگران غیردولتی فاقد قلمرو در سیستم بین‌المللی
- (The COW Typology of War, 2010: 1-32).

1 Inter-state War
2 Civil War
3 Intra-state War
4 Extra-State War
5 Non-State War

برنامه مناقشات داده‌محور در بخش تحقیقات صلح و جنگ دانشگاه اوپسالا، با اتکا به شواهد عینی مرتبط با ۴۳ مناقشه (از مجموع ۵۲ مناقشه) طی سال‌های ۱۹۴۵ تا ۲۰۱۱، هرگونه رابطه مبتنی بر حمایت نظامی بین یک طرف متخاصم و یک طرف سوم بیرون از تخصم را نشانه‌ای از وجود یک زوج نیابتی^۱ قلم‌داد کرده است. این ادعا ناظر به شناسایی ۱۶۴ زوج نیابتی در مناقشات مورد بررسی است. پروژه اوپسالا ۱۰ شاخص برای شناخت روابط حامی‌ها و نایب‌ها معرفی می‌کند که عبارت‌اند از مشارکت نیروهای نظامی، عملیات‌های مشترک، دسترسی به قلمرو، پشتیبانی سلاح، تدارکات و آموزش، تخصص بودجه و کمک اقتصادی، داده‌های اطلاعاتی، حمایت‌های ناشناخته و سایر اشکال حمایت. هر دولتی که به‌واسطه اعزام مستقیم نیرو در مناقشه مشارکت داشته باشد، ذیل عنوان «حمایت ثانویه مناقشه»^۲، با این قید دسته‌بندی می‌شود که در جریان ناسازگاری موضع مشترکی با یکی از طرف‌های اصلی درگیری دارد (Croicu & others, 2011: 1-19).

۲-۲. روابط پارتیزان و ذی‌نفع سوم

در بخش رهیافت‌های نظری، افزودن یافته‌های نظری پارتیزان به فهم و تحلیل شواهد عینی مربوط به روابط زوج‌های نیابتی کمک خواهد کرد. پارتیزان‌ها یا چریک‌ها، مبارزان نامتعارف غیردولتی هستند که از جهات سیاسی، نظامی و اقتصادی همواره وابسته به یک طرف دولتی‌اند. بازیگر دولتی حامی به عنوان ذی‌نفع سوم^۳ ممکن است در سه سطح ابرقدرت، قدرت بزرگ و قدرت خرد، از پارتیزان‌ها در یک یا چند مورد از سطوح شدت و اشکال حمایت، پشتیبانی کند. پارتیزان‌ها علاوه بر پول و اسلحه، تلاش می‌کنند مشروعیت بین‌المللی مورد نیاز خود را نیز از طریق شناسایی توسط بازیگران دولتی به دست بیاورند تا به حوزه غیرسیاسی رانده نشوند. این روند از دو جهت برای پارتیزان‌ها مشکل‌ساز خواهد بود. اول این که گروه پارتیزانی برای تأمین پول، سلاح و مشروعیت، وابسته به ذی‌نفع سوم خواهد شد و همین وابستگی، پارتیزان‌ها را از خطر بازپچه قرار گرفتن توسط قدرت متعارف دولتی مصون نخواهد گذاشت. از طرف دیگر، این امکان به شدت وجود دارد که به مرور زمان و به دلیل ورود پارتیزان‌ها به بافت سیاسی بین‌المللی که به دنبال شناسایی برای آنان فراهم آمده است، از سوی قدرت‌های بزرگ مورد استحاله قرار گیرند و اهدافی که برای آن نبرد می‌کردند را به فراموشی بسپارند (Muller, 2006: 9).

1 proxy dyad
2 Secondary warring support
3 Interested Third Party

ممکن است نتیجه تحکم چنین الگویی بر رابطه میان پارتیزان‌ها و ذی‌نفع سوم، به معنی آغاز یک مرگ اخلاقی باشد و این نیروهای مصمم برای مبارزه را به مرور قربانی ایدئولوژی‌های نوظهور و منافع جهان تکنوکراتیک سازد. بر اساس این الگو، پارتیزان‌ها در ابتدا برای حفظ قلمروی خود، اعم از شخصیت و زمین مبارزه می‌کنند، اما اگر با اوج گرفتن این مبارزه، ناگزیر از مشارکت سیاسی شوند، به سوی محافظه‌کاری سوق می‌یابند. تجربه ثابت کرده که چریک‌ها بعد از ورود به دستور کار سیاسی، در مقطعی که حامی دولتی لازم دانسته، آنان را فدای منافع خود کرده است. ممکن است ابهامات اساسی بین واقعیات جاری در میدان عمل و دشمن مطلق که پارتیزان‌ها ادعای مبارزه با آن را دارند، به وجود بیاید که در نتیجه آن، حدّ جنگ و دشمنی با قلمرو یا سرزمین‌های اشغال شده مشخص نشود، زیرا پارتیزان‌ها پس از ایجاد نوع جدیدی از فضای سیاسی که عمق آن ناپیداست، بدون تعیین هدف مشخص و دست‌یافتنی، گرفتار منافع ذی‌نفع سوم می‌شوند (Muller, 2006: 13-14).

۲-۳. روابط دولت و نیروهای نظامی موازی

یک الگوی نظری مکمل دیگر که به فهم روابط زوج‌های نیابتی کمک می‌کند، برآمده از روندهای حاکم بین روابط یک دولت و شبه‌نظامیان حامی آن است که در قالب نیروهای نظامی موازی^۱ در یک جنگ بین دولتی علیه گروه‌های مخالف مسلح به کار گرفته می‌شوند. این روند پدیده‌ای مبتنی بر شرایط اضطراری است که دولت‌ها را با خطر ایجاد مراکز ثقل اقتدارگرای موازی با نیروهای رسمی مواجه می‌کند. نیروهای موازی ممکن است جایگاه خود را به عنوان متحد دولت حفظ کنند، اما این امکان نیز وجود دارد که تغییر ماهیت دهند. لذا، الگوی ناظر به روابط زوج‌های نیابتی در یک جنگ درون‌دولتی ناظر به امکان تحقق سه وضعیت برای نیروهای موازی است:

۱. متحد

۲. دشمن

۳. خاکستری

نیروهای موازی که ماهیت آنها به دشمن تغییر می‌کند، الزاماً به مبارزه مستقیم با دولت نمی‌پردازند، بلکه ممکن است خواستار توزیع مجدد قدرت باشند و از نظر دولت، نامشروع و برای نظم سیاسی مطلوب دولت مضرّ تشخیص داده شوند. به طور عمده، نیروهای موازی پس از رفع شرایط اضطراری، در جایگاه خاکستری قرار می‌گیرند و در ترکیبی از مناقشه و مصالحه سیاسی،

جایگاهی بین متحدین و دشمنان را به خود اختصاص می‌دهند و به ارائه برنامه سیاسی خود می‌پردازند. بنابراین، دولت‌ها بعد از رفع شرایط اضطراری، به طور عمومی با به‌کارگیری چهار استراتژی مختلف برای نابودی یا مهار شبه نظامیان حامی تلاش کرده‌اند:

۱. سرکوب^۱

۲. استراتژی مهار^۲

۳. استراتژی تبانی^۳

۴. استراتژی ادغام^۴ (Staniland, 2015: 773-775).

الگوی برآمده از روابط دولت‌ها و نیروهای موازی، حکایت از این دارد که از بین استراتژی‌های چهارگانه یادشده، تنها استراتژی تبانی در سه شکل مختلف واقع شده و در نتیجه ارزش عملیاتی داشته است.

جدول ۱. نقش گروه‌های مسلح سیاسی و استراتژی دولت

ارزش عملیاتی		انواع نیروهای موازی
ندارد	دارد	
ادغام در قالب حامی اضافی	تبانی در قالب متحد مسلح (عمیق)	متحد
مهار گروه‌های ناخوشایند	تبانی در قالب شریک تجاری	خاکستری
سرکوب دشمن مرگبار	تبانی در قالب هم‌پیمانی نادر (سطحی)	دشمن

(Staniland, 2015: 779)

حامیان اضافی گروه‌هایی هستند که ایدئولوژی‌شان با رژیم حاکم سازگار است، اما تداوم حفظ موجودیت آن‌ها به نفع دولت نیست. این گروه‌ها به یک حزب حاکم یا دستگاه دولتی ملحق می‌شوند. ادغام معمولاً به عنوان یک سازوکار برای کنترل متمرکز بر اعمال زور صورت می‌گیرد. گروه‌های ناخوشایند معمولاً انعطاف‌پذیر نیستند و هدف سرکوب و نظارت قرار می‌گیرند. اما دولت‌ها از ظرفیت و قدرت کافی برای وارد کردن ضربه نهایی به این گروه‌ها برخوردار نیستند؛ ضمن این‌که گروه‌های ناخوشایند نیز به دلیل اتصال به منابع پول و سلاح، از قدرت نسبی برخوردارند و حذف آن‌ها امکان‌پذیر نیست؛ به همین دلیل راه‌اندازی کارزارهای سرکوب از سوی دولت‌ها با ریسک بالایی همراه است و باید استراتژی مهار را به عنوان رویکرد پیش‌فرض خود قرار دهند. دشمن مرگبار با الزام اطلاعاتی و اعمال زور از سوی دولت، به شکل گسترده‌ای

1 Suppression

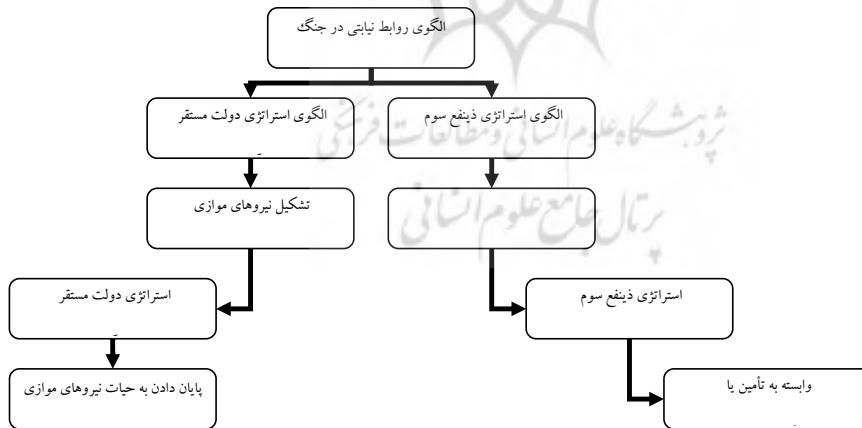
2 Containment

3 Collusion

4 Incorporation

هدف قرار می‌گیرد. آن‌ها حتی اگر از نظر اندازه فیزیکی یا قدرت نظامی، در شرایط حداقلی قرار داشته باشند، یک تهدید واقعی برای طرح سیاسی بنیادین دولت ایجاد می‌کنند، استراتژی محو فوری یا همیشگی آنها ممکن است امکان‌پذیر نباشد، لذا وجود آن‌ها همیشه احساس می‌شود و چانه زنی یک راه جایگزین موقت به جای رویارویی با یک گروه دشمن است. هم‌پیمانی نادر، یک استراتژی کوتاه‌مدت سیاسی برای کاهش تنش سیاسی میان دولت و نیروهای موازی از راه یک همکاری سطحی است. تبانی با گروه‌های مسلح، عمیق و چند سطحی است. نیروهای دولتی و شبه نظامیان غیردولتی، در این استراتژی از اتحاد عمیقی با یکدیگر برخوردارند و دارای ویژگی نیمه‌رسمی هستند. متحدین شبه نظامی از امتیازات زیادی برخوردارند و توسط نهادهای دولتی آموزش می‌بینند و اطلاعات، پول و تسلیحات دریافت می‌کنند. در صورتی که زمینه موجودیت این گروه‌ها از بین برود، دولت استراتژی خود را به سمت حامی اضافی سوق می‌دهد و در راستای ادغام آن‌ها گام بر می‌دارد. دولت همکاری با گروه‌های خاکستری را تحت عنوان یک شریک تجاری ادامه می‌دهد. همکاری تجاری با گروه‌های مسلح قدرت‌مند حتی اگر از ایدئولوژی سازگار با دولت برخوردار نباشند، در ازای جلوگیری از تبدیل شدن مناطق تحت کنترل آن‌ها به یک محدوده خودمختار، مفید خواهد بود (Staniland, 2015: 780-781).

نمودار ۲. الگوی نظری حاکم بر پژوهش



۳. مناسبات کردهای سوریه با دولت مرکزی تا قبل از سال ۲۰۱۱

جمعیت کردهای سوریه در سال ۲۰۰۹ حدود ۲ میلیون نفر برآورد شده بود. بر این اساس، کردها بعد از قوم عرب که حدود ۲۰ میلیون نفر از جمعیت سوریه را تشکیل می‌دهند، اولین اقلیت بزرگ در این کشور محسوب می‌شوند. آنها به طور عمده در سه منطقه جدا از هم در

امتداد مرزهای ترکیه زندگی می‌کنند که شامل غفرین (جبل‌الاکراد) و عین‌العرب (کوبانی) در استان حلب و کل استان حسکه (جزیره) است (Erkmen, 2012: 9).

استقلال طلبان کرد طی روندی که انقلاب سال ۱۹۳۷ نام گرفت، اقدام به تأسیس یک سیستم جایگزین اداری در بخش جزیره کردند که از سوی فرانسوی‌ها حمایت می‌شد، اما در نهایت تا بهار ۱۹۴۶ فرانسه مجبور به عقب‌نشینی از سوریه شد و با قدرت‌نمایی ملی‌گرایان عرب، سوریه به استقلال سیاسی دست یافت و خودمختاری منطقه جزیره نیز منتفی شد (Kurd Watch (Report 1), 2009: 5-9).

پس از حدود ۳۰ سال فراز و نشیب در روابط با کردها، دولت مرکزی سوریه روز ۲۳ آگوست ۱۹۶۲ با استناد به قانون شماره ۹۳، اقدام به برگزاری یک سرشماری خاص در حسکه نمود که نتیجه آن لغو حق شهروندی و مالکیت از ۱۲۰ هزار کرد در پنجم اکتبر همان سال با ادله تهدید نفوذ دادن کردها به کشور از سوی ترکیه و عراق بود. در این قانون، کردها ذیل دو موضوع افراد بی‌تابعیت و افراد بی‌سرزمین ثبت نشده، «مکتومین» و «اجانب» نامیده شدند. در نوامبر ۱۹۶۳ محمد طلب هلال، فرمانده امنیتی حسکه، گزارشی با جنبه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تهیه کرد. او در این گزارش، کردها را در حال تلاش برای ایجاد یک میهن خیالی توصیف و آنان را دشمنانی خطاب کرده بود که با وجود وابستگی‌های مذهبی که با اعراب دارند، بین آنان و اسرائیل فرقی وجود ندارد. فرمانده امنیتی حسکه برای جلوگیری از این روند، پیشنهادات دوازده-گانه‌ای ارائه داد که بندهای ششم، هشتم و دهم آن ناظر به محصور کردن و اختلاط مناطق کردی با جمعیت‌های عربی بود. بر این اساس، دولت مرکزی اجرای برنامه‌ای را در دستور کار قرار داد که به کمربند عربی مشهور شد و با اجرای آن حدود ۱۴۰ هزار کرد از ۳۳۲ دهکده در محدوده‌ای معادل ۱۵۰ کیلومتر مربع در امتداد مرز ترکیه اخراج و به جای آنان شهروندان عرب سکونت داده شدند. این طرح در سال ۱۹۶۵ به تصویب رسید و اجرای آن از سال ۱۹۷۳ آغاز شد. با اجرای طرح کمربند عربی تا سال ۱۹۷۶، ۲۵ هزار خانواده عرب در جزیره اسکان داده شدند (Kurd Watch (Report 5), 2010: 10-16).

در دوره بشار اسد، تلاش برای تثبیت طرح کمربند عربی به واسطه تصویب قوانین تکمیلی ادامه یافت. به عنوان مثال، بشار اسد روز دهم دسامبر ۲۰۰۸، قانون شماره ۴۹ را که اصلاح شده قانون شماره ۴۱ بود (۲۶ اکتبر ۲۰۰۴)، امضا کرد. ماده (۱) از فرمان ۴۱ که مربوط به مالکیت و اجاره زمین در «مناطق مرزی» بود، تصریح کرده بود که تأسیس، انتقال، تغییر یا خرید حقوق مربوط به زمین‌های مرزی با هدف اجاره یا انتفاع تجاری، بدون اجازه دولت مرکزی ممنوع است.

اما با حذف قید «مناطق مرزی» در قانون شماره ۴۹، ذیل یک تفسیر بسیط، استفاده از حقوق هر زمینی مشمول کسب اجازه دولتی شد. صدور این فرمان واکنش احزاب کُردی را به دنبال داشت. به عنوان مثال، حزب یکیتی، این قانون را یک پروژه از سوی دستگاه‌های امنیتی بشار اسد برای ادامه اجرای طرح کمربند عربی قلم‌داد کرد که هدف از آن پایان دادن به موجودیت قوم کُرد است (Kurd Watch (Report 6), 2010: 1-12).

۴. بسترهای ایجاد خودگردانی دموکراتیک در شمال سوریه

حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) در اوایل دهه ۱۹۷۰، به رهبری عبدالله اوجالان (آپو) در آنکارا تأسیس شد و بعد از نقل مکان به مناطق کردنشین در جنوب شرقی ترکیه، از تاریخ ۲۷ نوامبر ۱۹۷۸، به طور رسمی با این نام به فعالیت ادامه داد. پ.ک.ک با ایدئولوژی رادیکال مارکسیستی، درگیری با دولت ترکیه برای استقلال طلبی را آغاز نمود. در نتیجه، از سال ۱۹۸۰ اعضای آن یا به زندان و اعدام محکوم شدند یا به کردستان سوریه گریختند. دولت سوریه از این حزب به عنوان اهرم فشار در اختلافات دو کشور استفاده کرد و تلاش کرد مسئله کُردهای سوری را نیز ذیل همین رویکرد به ترکیه منتقل کند. حافظ اسد، به این حزب در خاک سوریه و مناطقی از لبنان که تحت کنترل ارتش سوریه بود، پناه داد. نیروهای پ.ک.ک در شمال دمشق و پایگاه معصوم کُرکمز در دره بقاع لبنان توسط گروه‌های مسلح فلسطینی و به خصوص جبهه دموکراتیک آموزش‌های چریکی داده شدند و عملیات نظامی علیه دولت ترکیه را از آگوست ۱۹۸۴ آغاز کردند (Crisis Group Middle East Report (N°136), 2013: 12).

دولت سوریه به پ.ک.ک اجازه تأسیس دفتر در دمشق، قامشلو، دریک، درباسیه، رأس‌العین، عفرین، حلب و حسکه داد و به موازات آن، تغییر موازنه بین کُردی را به واسطه سرکوب احزاب کُرد وابسته به جناح بارزانی (حزب دموکرات کردستان عراق) و ایجاد رقابت و تنش بین پ.ک.ک و احزاب دموکرات و اتحاد میهنی کردستان عراق (یکیتی) را در دستور کار خود قرار داد. نتیجه این روند، نفوذ عمیق پ.ک.ک در جامعه کُردی سوریه بود، چنان‌که برآورد می‌شود بین ۷ تا ۱۰ هزار کُرد سوری به دلیل مشارکت در درگیری‌های چریکی با ترکیه به نفع پ.ک.ک کشته یا ناپدید شده‌اند. این تعداد به طور واضح با اجازه دولت سوریه توسط پ.ک.ک نام‌نویسی شده بودند تا به جای خدمت اجباری سربازی در ارتش سوریه، برای پ.ک.ک در ترکیه بجنگند. این روند تا سال ۱۹۹۸، که دولت ترکیه، سوریه را به اقدام نظامی در خاک این کشور تهدید کرد، ادامه یافت. بعد از توافق دو دولت، بخش زیادی از رهبران پ.ک.ک توسط حکومت سوریه به ترکیه تحویل داده

شده و نیروهای مسلح رسمی این گروه در سوریه به ۱ تا ۱۰ سال زندان در سوریه محکوم شدند. پس از انعقاد پیمان آدنا در سال ۱۹۹۹ بین سوریه و ترکیه، پ.ک.ک مرکز فرماندهی خود را به کوهستان قندیل در خاک عراق منتقل نمود و دولت سوریه، این حزب را مجبور به ترک خاک این کشور کرد. اوجالان، رهبر پ.ک.ک، پس از اخراج از سوریه در سال ۱۹۹۹ در کنیا دستگیر و به دولت ترکیه تحویل داده شد و پ.ک.ک روز دوم آگوست همان سال با دولت ترکیه آتش‌بس اعلام کرد. پ.ک.ک در سال ۲۰۰۳ بعد از اعلام آتش‌بس یک جانبه با ترکیه، با دو هدف حفظ پایگاه در سوریه و نگهداری هزاران عضو و هوادارش، اقدام به تأسیس یک حزب جدید در سوریه با نام حزب اتحاد دموکراتیک^۱ کرد. حزب اتحاد دموکراتیک به دلیل پایگاه اجتماعی قدرت‌مندی که از دهه ۸۰ در مناطق کُردی ایجاد کرده بود نقش برجسته‌ای در بسیج عمومی کُردها بعد از تصدی ریاست جمهوری توسط بشار اسد در سال ۲۰۰۰ میلادی ایفا کرد (Tejel, 2009: 76-77).

عبدالله اوجالان در سیر تفکرات خود در زندان، به ایده استقلال‌طلبی پایان داد و پ.ک.ک از سال ۲۰۰۵ روند مذاکرات صلح با دولت ترکیه را آغاز کرد. اوجالان با نفی دولت-ملت‌گرایی به مفهوم نفی تلاش برای استقلال خواهی، نظریه ملت دموکراتیک و نظام کنفدرالیسم دموکراتیک را به عنوان نقشه راه مطرح کرد. ظهور این ایده و طرح آن از سوی عبدالله اوجالان، تابع یک روند تاریخی از تحولات و تغییرات در ساختار پ.ک.ک بود. شکل‌گیری ایده کنفدرالیسم دموکراتیک مبتنی بر روند بازنگری نظری اوجالان، بر اساس واقعیت‌های موجود بود که به طور واضح بر نفی استقلال خواهی و لزوم احترام به حق حاکمیت دولت مرکزی تأکید داشت (اوجالان، ۱۳۹۲: ۲۶۷-۲۴۷). اوجالان کنفدرالیسم را نوعی ساختار خودمدیریتی سیاسی معرفی می‌کند که در چارچوب آن، همه با وجود این مانیفست کنفدرالیسم دموکراتیک، از نیروی دفاع ذاتی در برابر تهدید نیروهای مهاجم خارجی و مداخلات نیروهای سلطه‌جوی داخلی (مداخله و حمله طبقات قدرت‌طلب درون جامعه) برخوردارند و اختیار عمل لازم را دارا بوده و تحت کنترل ارگان‌ها و نهادهای سیاست دموکراتیک قرار دارند (Ocalan, 2011: 26).

در طول این روند، پ.ک.ک در بسیاری از کشورها در لیست سیاه قرار گرفت و در دوم آوریل ۲۰۰۴، شورای اتحادیه اروپا این سازمان را به فهرست سازمان‌های تروریستی اضافه کرد. در همان سال، وزارت خزانه‌داری ایالات متحده نیز دارایی‌های شاخه‌های این سازمان را مسدود کرد. اما حزب اتحاد دموکراتیک از این روند مصون ماند. پ.ک.ک ساختارهای موازی دیگری در سوریه ایجاد کرد که حزب اتحاد دموکراتیک مرکز ثقل همه آنها بود. به عنوان مثال، از

سال ۲۰۰۵ شورای مردمی کردستان غربی^۱ و اتحادیه مردمی کردستان^۲ که توسط فرماندهی پ.ک.ک در قندیل هدایت می‌شدند، در سوریه اقدام به تأسیس شاخه کردند. پ.ک.ک روز هفتم جولای ۲۰۱۱ جنبش دیگری به نام جامعه دموکراتیک در کردستان روژاوا^۳ تأسیس کرد (Ileana, van Wilgenburg, Hossino, 2012: 9).

۵. تأثیر روابط نیابتی با دولت سوریه بر تضعیف حاکمیت

پس از آغاز اعتراضات در سوریه که مرکز ثقل مطالبه آن سرنگونی حکومت اسد بود، صالح مسلم، یکی از دو رهبر حزب اتحاد دموکراتیک، با سؤالی درباره مطالبه حزب متبوع‌اش از سطح تغییر در سوریه روبه‌رو شد. پاسخ او حکایت از این داشت که حزب اتحاد دموکراتیک به دنبال تغییر رژیم نیست. صالح مسلم در بخشی از یک مصاحبه تفصیلی که نوامبر ۲۰۱۱ منتشر شد، تصریح کرد که حزب متبوع‌اش خواستار اصلاحات است نه تغییر رژیم. تشریح پروژه حزب اتحاد دموکراتیک از زبان رهبر حزب در سوریه، به وضوح نشان داد که این برنامه بر پایه استقلال‌طلبی پایه‌ریزی نشده است. صالح مسلم در بخش دیگری از مصاحبه خود در این رابطه گفت:

«ما یک پروژه را به پیش می‌رانیم: «خودمدیریتی دموکراتیک»؛ این باید روشن شود که ما با این دستور کار به دنبال خودمختاری نیستیم، ما به عنوان یک جنبش آزادی‌بخش گردی، فهم کلاسیک از قدرت را رد می‌کنیم؛ ما اشکال کلاسیک فدرالیسم، کنفدرالیسم، دولت مستقل و خودمختاری را رد می‌کنیم» (Kurd watch, 2011: A).

بنابراین از جولای ۲۰۱۲، دولت مرکزی پس از مذاکره با حزب اتحاد دموکراتیک، عقب‌نشینی نیروهای ارتش و امنیتی از مناطق گردنشین در شمال سوریه را آغاز کرد. دولت مرکزی سوریه با اطمینان از این روند که حزب اتحاد دموکراتیک به روند براندازی نخواهد پیوست، تمرکز خود را به سایر جبهه‌ها منتقل کرد و در عین حال به‌واسطه حمایت لجستیک، اطلاعاتی و تسلیحات، شرایط تغییر موازنه به نفع حزب در شمال سوریه را فراهم ساخت. حزب پس از تسلط بر این مناطق، از روز ۱۳ نوامبر ۲۰۱۳ در بخش اعظم استان حسکه (جزیره) و شهرهای عفرین و عین‌العرب (کوبانی) در استان حلب، دولت موقت تشکیل داد. واحدهای حمایت خلق و آسایش^۴، شاخه امنیتی حزب اتحاد دموکراتیک، اقداماتی نظیر بازجویی، دستگیری انفرادی و دسته جمعی، شکنجه و حتی قتل اعضای گروه‌های گرد رقیب مرتبط با بارزانی و معترضان

1 EncûmenaGel ya Rojavayê Kurdistanê
 2 Koma Civakên Kurdistan, KCK
 3 Tevgera Civaka Demokratîk a RojavayêKurdistan, TEV-DEM
 4 Asayiş

عرب در مناطق تحت کنترل خود را در دستور کار قرار دادند و طی یک روند پرفراز و نشیب، در سال ۲۰۱۴ بر شمال سوریه تفوق یافتند. حزب اتحاد دموکراتیک در متن ماده سوم قانون خودمدیریتی دموکراتیک در کردستان غربی، به طور مصرح حکومت مرکزی سوریه را به رسمیت شناخت و کردستان غربی (روژاوا) را به عنوان یک منطقه خودمدیریتی دموکراتیک با پایتختی قامشلو بخش جدایی‌ناپذیری از تمامیت ارضی سوریه معرفی کرد. در قانون اداره کانتون‌ها (بخش‌ها) نیز نسبت به حاکمیت حکومت مرکزی تصریح صورت گرفت و کانتون یک سیستم سیاسی و اداره شهری بر پایه قرارداد اجتماعی معرفی شد که قطعات مختلف اجتماع سوریه را در دوران گذار از دیکتاتوری، جنگ داخلی و ویرانی، به سمت یک جامعه دموکراتیک با یکدیگر آشتی می‌دهد (سنایی، آزاد، ۱۳۹۵: ۴۲-۳۸).

تشکیلات خودمدیریتی دموکراتیک در کردستان سوریه، دو شورای قانون‌گذاری و قضایی و یک کمیته عالی انتخابات در رأس هرم اداری و یک شورای اداری در هر کانتون تشکیل داد که هر یک از آن‌ها از ۲۰ هیئت برای رسیدگی به امور مختلف تشکیل شدند. تشکیل واحدهای منسجم و سازمان‌یافته نظامی و امنیتی - اطلاعاتی در هر کانتون، یکی از نقاط عطف عملکرد حزب اتحاد دموکراتیک بود که به نظر می‌رسد در آینده به عنوان یکی از اهرم‌های بازدارنده مهم در مقابل هر نوع نیروی مهاجم عمل کنند (ملارشید، ۲۰۱۷: ۴۰-۲۶).

جدول ۲. مشخصات کانتون‌های خودگردان در کردستان غربی (روژاوا)

کانتون	مساحت (ک.م ^۲)	تعداد نواحی اداری	تعداد روستا	تعداد شهرداری	مرکز اداری
جزیره	۲۳,۰۰۰	۱۴	۱۷۱۷	۱۳	عامودا
عفرین	۳,۸۵۰	۷	۳۶۶	۱۷	عفرین
کوبانی	۳,۰۶۸	۲	۴۴۰	۱	کوبانی

(مرکز عمران للدراسات الاستراتیجیه، ۲۰۱۵: ۹)

جدول ۳. هیئت‌های فعال در شوراهای اداری هر کانتون

روابط خارجی	کار و امور اجتماعی	تجارت و اقتصاد	مخابرات	تأمین	آموزش و پرورش	دفاع و حمایت ذاتی
عدالت	خانواده شهداء	زراعی	داخلی و آسایش	امور دینی	فرهنگی	اداره محلی و شهرداری‌ها
حقوق بشر	حمل و نقل	بهداشت	مالی	امور زنان و خانواده	شهرداری‌های مردمی	

(مرکز عمران للدراسات الاستراتیجیه، ۲۰۱۵: ۱۱)

جدول ۴. استعداد تخمینی نیروهای روزواو متشکل از نیروهای اصلی و متحدین آن

نیروهای اصلی	واحد‌های حمایت خلق	واحد‌های دفاع زنان	نیروهای دفاع ذاتی	نیروهای امنیتی (آسایش)	پلیس
استعداد	۲۴۰۰۰ (کُرد)	۱۳۰۰۰ (کُرد)	۱۰۰۰۰ (کُرد)	۴۰۰۰ (کُرد)	۱۰۰۰ (کُرد)
وظیفه	دفاع از کانتون	طرح برابری جنسیتی	دفاع شهری (آتش‌نشانی و...)	پلیس نظامی	پلیس نظامی
محل خدمت	کانتون‌های عفرین، کوبانی و جزیره	کانتون‌های عفرین، کوبانی و جزیره	کانتون‌های کوبانی و جزیره	کانتون‌های عفرین، کوبانی و جزیره	فقط کانتون جزیره
نیروهای متحد	نیروهای حمایت خلق (کُرد)	گردان آزادی‌بخش جهانی	سنادید (قبایل عرب)	گارد‌های خابور (آسوری)	شورای نظامی سریانی
استعداد	نامعلوم	۲۰۰	۴۰۰	۳۰۰	۲۰۰۰
وظیفه	نقش حمایتی	نقش حمایتی	نامشخص	نامشخص	نامشخص
محل خدمت	فقط کانتون کوبانی	کانتون‌های کوبانی و جزیره	فقط کانتون جزیره	فقط کانتون جزیره	فقط کانتون جزیره

(Casagrande, 2016: 2-4)

۶. تأثیر روابط نیابتی با ائتلاف بر تضعیف حاکمیت دولت سوریه

سامانتا پاور، نماینده آمریکا در سازمان ملل، روز ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۴ با استناد به پیوست‌های قطع‌نامه‌های S/2014/691 و S/2014/440 در شورای امنیت که طی آن استمداد رسمی دولت عراق از شورای امنیت و سایر کشورها برای مبارزه با داعش مطرح شده بود، به عدم توانایی رژیم سوریه برای مبارزه مؤثر با داعش و پناهگاه‌های امن این گروه اشاره و تصریح کرد که ایالات متحده حملات خود علیه داعش و گروه خراسان (القاعده) در سوریه را که منافع آمریکا در سرتاسر جهان را مورد تهدید قرار می‌دهد، آغاز می‌کند (United Nations (S/2014/695), 2014:1-2).

بنابراین، ایالات متحده بدون اجازه و رضایت دولت مرکزی سوریه، مبارزه با داعش در این کشور را کلید زد و به دلیل عدم همکاری و هم‌پیمانی با دولت، استفاده از ظرفیت معارضین مسلح برای مبارزه با داعش را شروع کرد. وزارت دفاع آمریکا، روز ۴ نوامبر ۲۰۱۵ از تشکیل ساختاری به نام نیروهای جبهه دموکراتیک سوریه برای حمله به دو مرکز ثقل فیزیکی داعش در موصل (عراق) و رقه (سوریه) خبر داد که محور آن را نیروهای حزب اتحاد دموکراتیک شکل داده بودند (ابراهیمی فر، آزاد، ۱۳۹۶: ۲۸).

حزب اتحاد دموکراتیک حدود یک ماه پس از آغاز هم‌پیمانی با ائتلاف در چارچوب جبهه

دموکراتیک سوریه، روند قوام‌بخشی به ساختارهای ایجادشده را آغاز کرد. دور جدید اقدامات حزب، به وضوح تلاش برای شکل‌دهی به یک نظم سیاسی نوین در شمال سوریه را به نمایش گذاشت. نقطه عطف این روند، کنفرانس مردمی دموکراتیک بود که روز ۲۷ جولای ۲۰۱۷ در رمیلان برگزار شد. نتیجه این کنفرانس، تصویب قانون شماره (۱) تحت عنوان قانون تقسیمات اداری ویژه مناطق فدرالی دموکراتیک شمال سوریه توسط ۱۵۶ عضو مشارکت‌کننده بود. این قانون در چهار فصل و ۹ ماده، شمال سوریه را به سه منطقه (اقلیم) با شش شهرستان تقسیم کرد. بر اساس این مصوبه، برای اولین بار استان رقه وارد محاسبات حزب اتحاد دموکراتیک سوریه شد و عین‌عیسی به عنوان یکی از نواحی بخش تل‌ابیض در اقلیم فرات در تقسیمات اداری نظام فدرالی شمال سوریه قرار گرفت (المرکز الإعلانی لقوات سوريا الديمقراطية (الف)، ۲۰۱۷).

بر اساس تقسیم‌بندی اداری در مصوبه رمیلان، محل استقرار مرکز هماهنگی و روابط ائتلاف بین‌المللی مبارزه با داعش (عزم ذاتی) و شورای شهر رقه، در محدوده یکی از اقلیم‌های سه‌گانه نظام فدرالی شمال سوریه قرار گرفت. روز ششم آگوست ۲۰۱۷، ائتلاف بین‌المللی با جبهه دموکراتیک سوریه حول اداره آینده رقه بعد از آزادی کامل، تشکیل جلسه داد. حضور الهام احمد، رئیس مشترک جامعه دموکراتیک کردستان روژاوا، حسن محمد علی و عبدالقادر موحد، عضو هیئت سیاسی این شورا در جلسه مذکور، به معنی تأثیرگذاری مهم ساختارهای برآمده از عملکرد حزب اتحاد دموکراتیک بر اداره آینده رقه بود. الهام احمد در این جلسه، بر لزوم جلوگیری از تسلط دوباره دولت مرکزی بر رقه تأکید کرد و نمایندگان ائتلاف و ایالات متحده نیز پس از آن نسبت به جلوگیری از ورود نیروهای دولتی به محدوده شرق فرات اطمینان دادند (المرکز الإعلانی لقوات سوريا الديمقراطية (ب)، ۲۰۱۷).

وزارت خارجه آمریکا در تاریخ ۱۸ ژانویه ۲۰۱۸ پس از نابودی مرکز ثقل فیزیکی داعش در سوریه، از استمرار حضور نظامی ایالات متحده برای تأمین پنج هدف در این کشور خبر داد و وزارت دفاع آمریکا نیز ضمن تعریف منطقه کاهش تنش، از ورود نیروهای ارتش سوریه به محدوده جغرافیایی جبهه دموکراتیک سوریه جلوگیری کرد. رکس تیلرسون، وزیر امور خارجه وقت آمریکا، طی یک سخنرانی جامع و اختصاصی در مؤسسه هورر دانشگاه استنفورد، دلایل

۱ جامعه دموکراتیک کردستان روژاوا، اداره فدرال دموکراتیک شمال سوریه و کانتون‌های سه‌گانه آن را برعهده دارد. این ساختار، روز هفتم جولای ۲۰۱۱ توسط پ.ک.ک تأسیس شد.

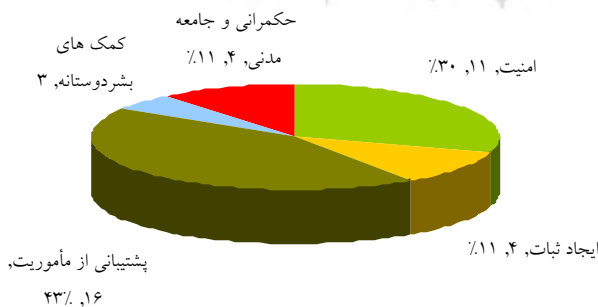
۲ روز ۱۷ آگوست ۲۰۱۷، ژنرال استیو جونز، معاون فرمانده ائتلاف در مقابل ابراز نگرانی لیلی مصطفی، رئیس مشترک شورای شهر رقه و شیوخ قبایل درباره احتمال عبور نیروهای ارتش سوریه از رود فرات و ورود به شهر، اطمینان داد که ائتلاف با روسیه برای دور نگاه داشتن نیروهای سوری از رقه هماهنگی لازم را انجام داده است. برت مک‌گورک، نماینده ویژه رئیس‌جمهور آمریکا در ائتلاف عزم ذاتی نیز روز ۱۸ اکتبر ۲۰۱۷ در دیدار با شورای شهر و معتمدین و شیوخ عشایر رقه، بار دیگر تأکید کرد که رژیم سوریه در رقه هیچ جایگاهی ندارد.

پنج‌گانه حضور نظامی ایالات متحده در سوریه را این‌گونه برشمرد:

۱. شکست پایدار داعش و القاعده در سوریه و جلوگیری از تغییر شکل این سازمان‌ها برای ضربه به منافع ایالات متحده؛
۲. حلّ اساسی مناقشه بین مردم سوریه و رژیم اسد از طریق فرایند سیاسی تجویز شده در قطع‌نامه ۲۲۵۴ سازمان ملل با قید برکناری اسد؛
۳. به عقب بازگرداندن نفوذ ایران در سوریه؛
۴. بازگشت آوارگان و پناهندگان؛ تا قادر باشند با خیال آسوده و داوطلبانه به سوریه بازگردند؛
۵. پاک‌سازی سوریه از تسلیحات کشتار جمعی (U.S Department, 2018).

استمرار حضور ایالات متحده در سوریه، یک فرصت مهم برای حزب اتحاد دموکراتیک محسوب می‌شود تا در سایه تداوم مبارزه با تروریسم، تلاش برای شناسایی دوافکتوی ساختار تأسیس شده در شمال سوریه را آغاز کند. بر اساس گزارش سه ماهه اول بخش عملیات‌های احتمالی برون‌مرزی دفتر بازرسی کل ایالات متحده^۱ به کنگره آمریکا، مأموریت این نیروها، حداقل تا سال ۲۰۱۹، پنج محور امنیت، ایجاد ثبات، حکمرانی و جامعه مدنی، پشتیبانی مأموریت و ارایه کمک‌های بشردوستانه را دنبال خواهد کرد که می‌توان بخشی از آن‌ها را معطوف به ایجاد و حمایت از ساختارهای کارگزاری خارج از کنترل دولت مرکزی سوریه تفسیر کرد. به‌خصوص این‌که این گزارش تأکید دارد حضور نظامی آمریکا در سوریه، به منظور تقویت خودگردانی‌های محلی در مناطق آزاد شده با هدف جلوگیری از پر شدن خلأهای امنیتی توسط ایران و نیروهای مورد حمایت آن ضرورت دارد (Operations Inherent Resolve Report to Congress (12), 2018: 50).

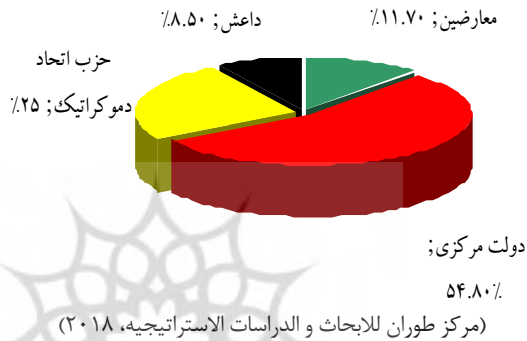
نمودار ۳. توزیع تناسب مأموریت‌های برنامه‌ریزی شده ائتلاف در سوریه تا سال ۲۰۱۹



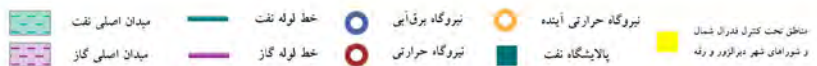
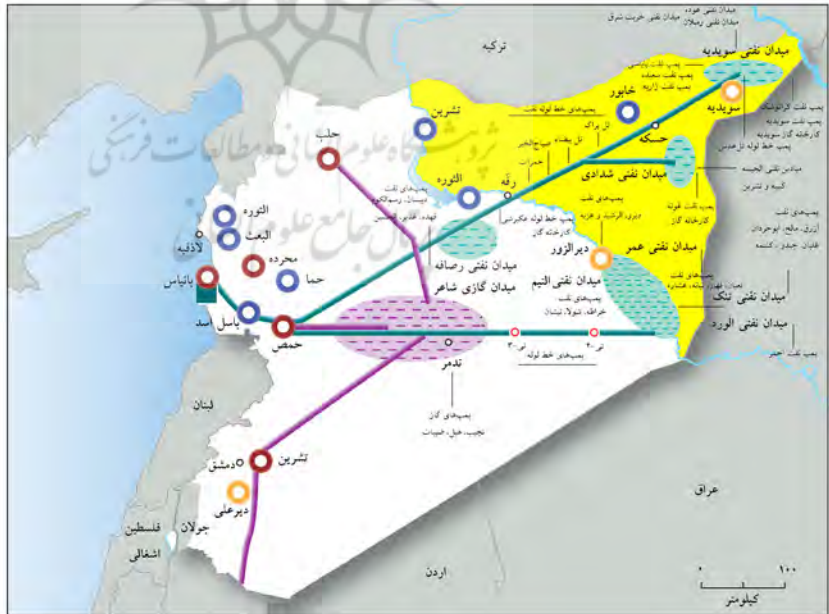
(Operations Inherent Resolve Report to Congress (12), 2018: 90)

حضور نظامی آمریکا در بخشی از خاک سوریه، باعث شد تا علی‌رغم آن که از جولای ۲۰۱۷، بازگشت حاکمیت به بخش‌های خارج از کنترل دولت مرکزی به طور محسوسی آغاز شود، اما ایالات متحده از ورود نیروهای ارتش سوریه به بخش‌های تحت کنترل جبهه دموکراتیک جلوگیری کند. این محدوده دربرگیرنده یک چهارم از خاک کشور است که ۹۸٪ از منابع نفت و ۳۲٫۵٪ از منابع گاز سوریه در آن واقع شده است.

نمودار ۴. تناسب تسلط بازیگران بر خاک سوریه تا ۲۹ می ۲۰۱۸



نقشه ۱. میدان‌ها و خطوط نفت و گاز تحت تسلط ائتلاف و جبهه دموکراتیک سوریه



۷. تجزيه و تحليل روند

انطباق شواهد عیني با رهیافت نظري، نشان می‌دهد که حزب اتحاد دموکراتیک پس از آغاز جنگ داخلی در سوریه، به عنوان زوج نیابتی دولت سوریه در یک جنگ درون‌دولتی علیه گروه‌های مخالف رژیم حاکم مشارکت کرده است. حزب اتحاد دموکراتیک در چارچوب یک نیروی موازی خاکستری دشمن، قابل دسته‌بندی است که به دلیل خاستگاه قدرت‌مند اجتماعی و نظم سازمانی، به سرعت توانست با استفاده از فرصت روابط نیابتی با دولت سوریه، خلأ قدرت دولت مرکزی در مناطق هدف را پر کرده و استقلال سوریه را به واسطه تضعیف حاکمیت در این مناطق خدشه‌دار نماید. بنابراین، نیروهای دفاع خلق و سایر سازوکارهای رزمی حزب قادرند به طور قدرت‌مندی اهداف را در تعارض با الگوهای ایدئولوژیک یک رژیم حاکم بسیج کنند. آن‌ها الزاماً به مبارزه مستقیم با دولت نمی‌پردازند، بلکه خواستار توزیع مجدد قدرت در چارچوب تعریف پ.ک.ک از کنفدرالیسم دموکراتیک هستند. به همین دلیل، در شرایط ثابت بعد از داعش، از نظر دولت نامشروع و برای نظم سیاسی مطلوب دولت، مضرّ تشخیص داده می‌شوند. حزب اتحاد دموکراتیک به عنوان یک سازمان منظم، طیفی از نیروها با مجموعه‌ای از اهداف سیاسی، باورهای درباره جنبش و عمل و دیدگاه‌هایی درباره نمادهای سیاسی و مطالبات است. می‌توان این حزب را نمادی از انفجار فعالیت‌های ایدئولوژیک در دوره رقابت برای سازمان‌دهی اقدامات و ستیز برای تسلط قلم داد کرد. پ.ک.ک ایدئولوژی و قدرت سیاسی را در حزب اتحاد دموکراتیک به خوبی در هم آمیخته است. ایدئولوژی‌های اداره حکومت در بین کارکنان حزب، بوروکراسی و واحدهای نظامی این حزب نهادینه شده و از طریق فرایندهای رسمی و غیررسمی آموزش داده می‌شوند و با ایجاد جامعه‌پذیری تکثیر می‌شوند.

حزب اتحاد دموکراتیک به دلیل تلاش برای توزیع مجدد قدرت به واسطه تغییر در ساختار اداری - سیاسی سوریه، یک نیروی موازی ناخوشایند محسوب می‌شود که دولت سوریه، به دلیل سطح قدرت این حزب و حمایت خارجی از آن، ظرفیت و قدرت کافی برای سرکوب آن را در اختیار ندارد. براساس الگوی نظری استانیلند، سازوکارهای نظامی حزب قدرت‌مندتر از آن هستند که در چارچوب گروه‌های ناخوشایند انعطاف‌پذیر هدف سرکوب و نظارت دولت مرکزی قرار گیرند. از این منظر، بعید به نظر می‌رسد که دولت ضعیف سوریه از ظرفیت و قدرت کافی برای وارد کردن ضربه نهایی به حزب و ساختارهای آن برخوردار باشد. ضمن این که حزب اتحاد دموکراتیک نیز به دلیل دسترسی به منابع نفت در شرق فرات و سلاح، از قدرت نسبی بالایی برخوردار است و راه‌اندازی کارزارهای سرکوب از سوی دولت را با ریسک

بالایی همراه می‌کند. ممکن است دولت سوریه بعد از پایان حمایت آمریکا، قادر باشد حزب اتحاد دموکراتیک را با الزام اطلاعاتی و اعمال زور به شکل گسترده‌ای مورد هدف قرار دهد، اما آن‌ها حتی اگر از نظر اندازه فیزیکی یا قدرت نظامی در شرایط حداقلی قرار گیرند، به دلیل پایگاه اجتماعی قوی در مناطق کُردی سوریه، یک تهدید واقعی برای طرح سیاسی بنیادین دولت ایجاد می‌کنند که استراتژی محو فوری یا همیشگی آن‌ها را امکان‌ناپذیر می‌سازد؛ لذا وجود آن‌ها همیشه احساس می‌شود و چانه‌زنی یک راه جایگزین موقت به جای رویارویی با شاخه پ.ک.ک در سوریه است. ضمن اینکه ممکن است دولت سوریه مجبور باشد برای جلوگیری از به هم خوردن موازنه به نفع معارضین عرب، همانند ابتدای بحران و جنگ داخلی، استراتژی تباری چندسطحی با حزب اتحاد دموکراتیک کردستان را در دوران پس‌داعش نیز ادامه دهد. در این روند، دولت مجبور به پذیرش نیمه‌رسمی حزب اتحاد دموکراتیک و اعطای امتیازات زیادی با آن‌هاست. بعید به نظر می‌رسد دولت سوریه قادر به سوق دادن استراتژی خود به سمت حامی اضافی باشد و در راستای ادغام نیروهای سازمان‌یافته و ایدئولوژیک دفاع خلق و آسایش گام بردارد. حزب اتحاد دموکراتیک کردستان به دلیل برخورداری از ویژگی منحصر به فرد ایدئولوژیک، در یک منطقه خاکستری قرار داد و دولت می‌تواند همکاری با آن را تحت عنوان یک شریک تجاری با اکراه ادامه دهد تا از تبدیل شدن مناطق تحت کنترل فدرال شمال به یک کنفدرال جلوگیری کند.

بنابراین، ریسک بالای راه‌اندازی کارزارهای سرکوب و مهار، دولت سوریه را وادار به همکاری با حزب اتحاد دموکراتیک تحت عنوان یک شریک تجاری کرده است تا در چارچوب روابط نیابتی، با این حزب مسلح قدرت‌مند از تسلط مخالفان عرب بر بخش قابل توجهی از خاک کشور جلوگیری کند. حزب اتحاد دموکراتیک در چارچوب مبارزه با داعش و استراتژی ایالات متحده برای جلوگیری از توسعه نفوذ ایران در مناطق خلأ قدرت، از روابط نیابتی با ائتلاف و آمریکا، در راستای تقویت ساختارهای اداری خودگردان در مناطق آزادشده بهره‌برداری کرد، اما فقدان مشروعیت دکترین ایالات متحده برای فعالیت ائتلاف در سوریه و احتمال خروج ایران از این کشور، دست‌آوردهای حزب اتحاد دموکراتیک از روابط نیابتی با ائتلاف را در چارچوب قواعد حاکم بر روابط پارتیزان و ذی‌نفع سوم دولتی با چالش جدی روبه‌رو می‌سازد.

۸. سناریوې

سناریوی اوّل: حزب اتحاد دموکراتیک و سازوکارهای نظامی آن قدرت مندتر از آن هستند که در چارچوب گروه‌های ناخوشایند، هدف سرکوب و مهار دولت مرکزی قرار گیرند؛ بنابراین، ممکن است علی‌رغم فقدان مشروعیت مداخله ایالات متحده در سوریه، بازدارندگی ناشی از حمایت نظامی از حزب اتحاد دموکراتیک، دولت سوریه را وادار به پذیرش موازنه و اصلاح قانون اساسی در روند مذاکرات سیاسی کند که نتیجه آن تغییر ساختار سیاسی و تقسیمات اداری سوریه بر اساس الگوهای عملیاتی شده در اقلیم شمال خواهد بود.^۱

سناریوی دوّم: استراتژی نظامی آمریکا در سوریه برای اعمال نظم سیاسی مطلوب ایالات متحده، غیرتهاجمی است؛ لذا این روند به دولت مرکزی فرصت می‌دهد تا از اصلاح قانون اساسی امتناع کند. در این شرایط، ساختارهای ایجادشده توسط حزب اتحاد دموکراتیک بدون کسب مشروعیت حقوقی به کار خود ادامه خواهند داد، اما این ساختارها با تغییر اولویت‌ها و استراتژی دولت‌های حامی در معرض اضمحلال قرار می‌گیرند.



۱ خودگردانی محلی در سوریه بر اساس اصل تمرکززدایی موضوعی است که مجلس نمایندگان سوریه در مصوبه شماره (۳۷) روز ۲۹ دسامبر ۱۹۷۱ با تأسیس وزارت اداره محلی مشروعیت داده است. اداره محلی بر اساس اصل تمرکززدایی اداری نیز موضوعی است که در مواد ۱۳۰ و ۱۳۱ از قانون اساسی اصلاح‌شده سوریه در سال ۲۰۱۲ نیز به آن اشاره شده است که البته ترتیبات اجرای آن به طور متمرکز زیر نظر دولت مرکزی و وزارت متبوع آن قرار دارد. با وجود این، مشروعیت بخشی به خودگردانی دموکراتیک نوع کاملاً متفاوتی از شیوه اداره محلی در سوریه است که ناظر به نوعی خودمختاری سیاسی و حفظ نیروی نظامی خارج از کنترل دولت است. لذا رسمیت بخشی به خودگردانی دموکراتیک ناظر به اصلاح قانون اساسی سوریه بر همین مبنا است.

نتیجه‌گیری و محتمل‌ترین سناریو

تداوم حضور نظامی آمریکا بدون موافقت دولت سوریه، در شرایطی که ایالات متحده استراتژی مشخصی برای براندازی رژیم در سوریه ندارد، عملاً یک برنامه فاقد هدف روشن محسوب می‌شود که در صورت هدایت یک پروژه فشار چندوجهی حقوقی و نظامی، با چالش روبه‌رو خواهد بود. براین اساس، ممکن است در صورت آغاز روند خروج ایران از سوریه، ایالات متحده به استراتژی حضور نظامی در سوریه و حمایت از حزب اتحاد دموکراتیک پایان دهد. این روند، منجر به بازیابی قدرت دولت مرکزی برای اعاده حاکمیت به مناطق تحت کنترل حزب اتحاد دموکراتیک خواهد شد. البته چنین روندی به دلیل قدرت نظامی و شبکه سیاسی-اجتماعی حزب در شمال سوریه با کندی همراه خواهد بود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

الف) منابع فارسی

اوجالان، عبدالله. (۲۹۳۱). مانيفست تمدن دموکراتیک (مسئله گرد و رهپافت دموکراتیک)، ترجمه آ. کاردوخ، جلد پنجم، برلین: مرکز نشر آثار و اندیشه‌های عبدالله اوجالان.

ابراهیمی فر، طاهره؛ آزاد، امیرحامد. (۶۹۳۱). علل بقای شبکه‌های اقتصادی سازمان‌های تروریستی در خاورمیانه در عرصه ارتباطات سیاسی، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره ۹۳، کرج: دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.

سنایی، اردشیر؛ آزاد، امیرحامد. (۵۹۳۱). تشکیل خودگردانی دموکراتیک در کردستان غربی (روزاوا) و تأثیر آن بر نظم منطقه‌ای غرب آسیا» فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال بیست و سوم، شماره ۴۸، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.

قوام، سید عبدالعلی. (۱۳۸۸). اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات سمت.

ب) منابع عربی

المركز الإعلامي لقوات سوريا الديمقراطية (الف). (۲۰۱۷). المرصد السوري: الفيدرالية الكردية تضم ۳ أقاليم و ۶ مقاطعات... و «الرقه رهن التحرير»، <http://sdf-press.com/2017/07>
المركز الإعلامي لقوات سوريا الديمقراطية (ب). (۲۰۱۷). إلهام أحمد: نحن الغطاء السياسي لمجلس الرقه، [http://sdf-press.com](http://sdf-press.com/2017/07)

خريطة توضح توزيع مناطق السيطرة بين قوى الصراع السوري. (۲۰۱۸). مركز طوران للابحاث والدراسات الاستراتيجية

<http://www.torancenter.org/wpcontent/uploads/2018/05/%D8%A%D8%B1%D9%8A%D8%B7%D8%A9%D8%A7%D9%84%D8%AA%D9%88%D8%B2%D8%B9%D9%88%D8%A7%D9%84%D9%86%D8%B3%D8%A8-2.jpg>

ملا رشيد، بدر. (۲۰۱۷). البنى العسكرية والأمنية في مناطق الإدارة الذاتية، اسطنبول: مركز عمران للدراسات الاستراتيجية.

(ج) منابع انگلیسی

Casagrande, Genevieve.(2016) . *The Road to Ar-Raqqah: Background on the Syrian Democratic Forces*, **Backgrounder**, Understanding war, available on: <http://www.understandingwar.org/sites/default/files/The%20Road%20to%20ar-Raqqah%20ID%20FINAL.pdf>

Clawson, Patrick. (2016). *Syrian Kurds as a U.S. Ally: Cooperation and Complications*, **Policy Focus 150**, the **Washington Institute for Near East Policy**, available on: http://www.washingtoninstitute.org/uploads/Documents/pubs/PolicyFocus150_Clawson.pdf. And http://www.orsam.org.tr/en/enUploads/Article/Files/2012828_127%20ing%20yeni.pdf

Ileana, Tanir, Vladimir van Wilgenburg & Omar Hossino. (2012). **Unity or PYD power play? Syrian Kurdish dynamics after the Erbil Agreement**, London, the Henry Jackson Society, available on: http://henryjacksonsociety.org/wp-content/uploads/2012/10/HJS_Unity-or-PYD-Power-Play_-Report.pdf

Kurd Watch Report (1). (2009). *The Kurdish policy of the Syrian government and the development of the Kurdish movement since 1920*, **European Center for Kurdish Studies Emser Straße 26**, available on: http://www.kurdwatch.org/pdf/kurdwatch_einfuehrung_en.pdf

Kurd Watch (Report 5). (2010). *Stateless Kurds in Syria Illegal invaders or victims of a nationalistic policy?*, available on: http://www.kurdwatch.org/pdf/kurdwatch_staatenlose_en.pdf

Kurd Watch (Report 6). (2010). *Decree 49 — Dispossession of the Kurdish population?*, available on: http://www.kurdwatch.org/pdf/kurdwatch_dekret49_nivisar_en.pdf

Kurd watch, (2011). *A. Salih Muslim Muhammad, chairman of the PYD: Turkey's henchmen in Syrian Kurdistan are responsible for the*

unrest here, October 20, 2011, available on: <http://www.kurdwatch.org/html/en/interview6.html>

Kurd Watch Report (9). (2013). *what does the Syrian-Kurdish opposition want?, Politics between Erbil, Sulaymaniyah, Damascus and Qandil*, **European Center for Kurdish Studies Emser Straße 26**, available on: http://www.kurdwatch.org/pdf/KurdWatch_A009_en_Parteien2.pdf

Kurd watch. (2014). *Al-Qamishli: Kurdish Youth Movement organizes demonstrations*, available on: <http://www.kurdwatch.org/index.php?aid=3022&z=en&cure=1016>

Muller, john. (2006). *Theory of the Partisan and the 'War on Terror*, An earlier version of this essay appeared in **Notizie di Politeia: Rivista di Etica e Scelte Pubbliche**, Vol XXII, 2006; a new version is to be published in Scott Horton.

Ocalan, Abdullah. (2011). **Democratic Confederalism**, Published by: Transmedia Publishing Ltd. – London, Cologne, available on: <http://www.freeocalan.org/wp-content/uploads/2012/09/Ocalan-Democratic-Confederalism.pdf>

Operations Inherent Resolve and Pacific Eagle/Philippines Quarterly Report to Congress. (2017). *lig_oco_oir_inbrief_q4_122017-1.pdf*

Tejel, Jordi. (2009). **Syria's Kurds History, politics and society**, published by Rutledge is an imprint of the Taylor & Francis Group, available on: <http://www.kurdipedia.org/books/74488.pdf>

The COW Typology of War. (2010). *Correlates of War Project (COW) War Data, 1816 - 2007 (v4.0)*, available on: <http://www.correlatesofwar.org/data-sets/COW-war/the-cow-typology-of-war-defining-and-categorizing-wars/view>

United Nations (S/2014/695). (2014). *Letter dated 23 September 2014*, from the Permanent Representative of the United States of America to the United Nations addressed to the Secretary general, available on: http://www.securitycouncilreport.org/atf/cf/%7B65B-FCF9B-6D27-4E9C-8CD3-CF6E4FF96FF9%7D/s_2014_695.pdf

U.S Department. (2018). *Remarks on the Way Forward for the United States Regarding Syria*, Remarks, Rex W. Tillerson, Secretary of State Hoover Institute at Stanford University, Stanford, CA, available on: <https://www.state.gov/secretary/remarks/2018/01/277493.html>.

